

دکتر جاناتان گریر، باستان‌شناسی عهد عتیق، جلسه ۱، مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی و عهد عتیق

جاناتان گریر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جاناتان گریر و تدریس او در مورد باستان‌شناسی در عهد عتیق هستم. این جلسه ۱، مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی و عهد عتیق است.

سلام، اسم من جاناتان گریر است.

من اینجا در مدرسه الهیات گرنند ریپدز تدریس می‌کنم. من عهد عتیق تدریس می‌کنم، اما علاقه خاصی هم به باستان‌شناسی دارم. بنابراین، امروز این افتخار و لذت را دارم که در مورد دو چیز که برایم عزیز و دوست‌داشتنی هستند صحبت کنم.

کتاب مقدس، به ویژه عهد عتیق و باستان‌شناسی. بنابراین، من نه تنها در تدریس عهد عتیق، بلکه در زمینه میدانی نیز تجربه دارم. من در کاوش‌های تل دان در شمال اسرائیل، با تمرکز ویژه بر شناسایی و تجزیه و تحلیل استخوان‌های حیوانات یا باستان‌شناسی باغ وحش، شرکت می‌کنم.

اینجا در مدرسه الهیات گرنند ریپدز، ما آزمایشگاهی داریم که در آن به کار روی بقایای جانوران و استخوان‌های حیوانات از تل دن ادامه می‌دهیم. بنابراین، در سخنرانی ما چند اشاره به استخوان‌های حیوانات خواهید شنید. اما من می‌خواهم با صحبت در مورد باستان‌شناسی شروع کنم؟ و سپس در مورد کتاب مقدس صحبت خواهیم کرد؟ و سپس خواهیم دید که چگونه این دو با هم، گاهی اوقات به راحتی، گاهی اوقات به طور ناخوشایند، هماهنگ می‌شوند.

باستان‌شناسی چیست؟ خب، فقط برای اینکه مستقیم به چیزی که می‌دانم همه شما فکر می‌کنید برسیم، این همان است، درست است؟ ایندیانا جونز. و اگر از نسل خاصی هستید، باید اعتراف کنید که ایندیانا جونز روی همه ما تأثیر داشته است. خب، من بچه راهنمای بودم.

پدرم برای مرخصی به اورشلیم رفت و تمام خانواده را هم با خود برد. و درست بعد از اکران این فیلم بود. و خب، من واقعاً یک کلاه و یک شلاق گوی داشتم و در حیاط خلوت‌م دنبال صندوق عهد گمشده می‌گشتم، اما موفق نشدم.

و بعد، همینطور که بزرگتر شدم و شروع به مطالعه باستان‌شناسی در سطح حرفه‌ای‌تر کردم، متوجه شدم که خیلی بیشتر جنبه‌ی سرگرمی دارد. اما خبر خوب این است که کسی به شما شلیک نمی‌کند. اما باستان‌شناسی خیلی بیشتر جنبه‌ی سرگرمی دارد و جذابیت آن خیلی کمتر است.

در واقع، می‌توانیم آن را کاوش پیشرفته در زباله‌دان بنامیم. ما در میان بقایای مادی گذشته بشر کار می‌کنیم. اساساً در میان زباله‌های آنها. ما به تکه‌های شکسته سفال نگاه می‌کنیم.

ما به بقایای استخوان حیواناتی که از دهانشان به همراه خورش‌هایشان بیرون ریخته‌اند، نگاه می‌کنیم. ما به بقایای گیاهی نگاه می‌کنیم و حتی در سطح میکروسکوپی، برخی از چیزهایی را که آنها می‌خورند، تجزیه و

تحلیل می‌کنیم. بنابراین، ما در حال بررسی زباله‌های مردم باستان هستیم و سعی می‌کنیم شیوه‌های مختلف زندگی آنها را بازسازی کنیم، یا به عبارت دیگر، بسازیم.

فرآیندهای مختلف در طول زمان تغییر می‌کنند. ما به حوزه‌های تاریخی می‌پردازیم. ما به دنبال بازآفرینی برخی از روش‌های تفکر مردمان باستان هستیم.

بنابراین، اگر بخواهیم در مورد یک تعریف کاربردی صحبت کنیم، می‌توانیم بگوییم که باستان‌شناسی اساساً سه عنصر دارد. اول بازیابی، دوم بررسی و سوم تفسیر. بنابراین، بازیابی، بررسی و تفسیر بقایای مادی و بیولوژیکی گذشته بشر.

امروزه، باستان‌شناسی یک تلاش میان‌رشته‌ای است. روزهایی که، به‌ویژه در باستان‌شناسی کتاب مقدس فقط کتاب مقدس را در یک دست و بیل را در دست دیگر داشتیم، گذشته است. اکنون، بسیاری از فتوگرامتری و تصاویر ماهواره‌ای استفاده، GPS باستان‌شناسان از روش‌های پیچیده ثبت اطلاعات از طریق می‌کنند و این روش‌ها نیز در سطح بالایی قرار دارند.

و سپس، همانطور که به عمق خاک می‌رویم، نه تنها گلدان‌ها و استخوان‌های سنتی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، بلکه اکنون اطلاعاتی داریم که می‌توانیم از علوم پایه برای تجزیه و تحلیل در سطح دقیق‌تری استفاده کنیم. بنابراین، به عنوان مثال، در مورد سفال، می‌توانیم از تجزیه و تحلیل بقایای آن بفهمیم که چه چیزی در آن گلدان پخته شده است. وقتی در مورد استخوان‌های حیوانات صحبت می‌کنیم، می‌توانیم یک دندان را برداریم و از طریق تجزیه و تحلیل ایزوتوپی، بگوییم که آن حیوان در طول زندگی خود کجا چرا می‌کرده است.

دندان‌ها، مانند درختان، حلقه‌ها یا لایه‌های روی هم انباشته‌ای را به خود می‌گیرند که می‌توان آنها را تجزیه و تحلیل کرد. بر اساس نوع گیاهان موجود در مناطق خاص، می‌توانیم تاریخچه چرای این حیوان را تا زمان مرگش بفهمیم. همچنین می‌توانیم بقایای موجود در خاک را برای یافتن فیتولیت‌ها، برای یافتن عناصر معدنی مختلف که می‌توانند اطلاعاتی در مورد فرآیندهایی که مدت‌ها پیش در آن فضا رخ داده است، به ما ارائه دهند، بررسی کنیم.

روش‌های پیچیده‌ی تاریخ‌گذاری. تاریخ‌گذاری رادیوکربن هنوز هم محکم‌ترین روش تاریخ‌گذاری ما برای بررسی بقایای مادی یا ارگانیک است، به‌ویژه از این دوره‌ی زمانی، از نظر تاریخی، از دوره‌های زمانی تاریخی کتاب مقدس. حال، باید به خاطر داشته باشیم که باستان‌شناسی یک رشته‌ی نسبتاً جدید است.

این کار فقط در مرحله‌ای گمانه‌زنانه در دهه ۱۷۰۰ آغاز شد و در اواسط دهه ۱۸۰۰ واقعاً بیشتر توسعه یافت. امروزه، این کار با آنچه امروزه انجام می‌شود بسیار متفاوت است. اساساً یک جستجوی گنج باشکوه بود.

بنابراین، در دنیای غرب هیجان زیادی با رمزگشایی خط هیروگلیف وجود داشت. درست پس از آن، چند دهه بعد، رمزگشایی خط میخی، زبان اکدی و سایر زبان‌ها را رمزگشایی کرد. در این مرحله، شما حامیان ثروتمندی داشتید که هزینه حفاری‌ها را پرداخت می‌کردند تا اساساً گنجینه‌های جهان باستان را غارت کنند و آنها را به موزه‌ها یا عمارت‌های خود بازگردانند.

و وقتی اشیاء از محیط فیزیکی خود خارج می‌شوند، داده‌های زیادی را از دست می‌دهیم. بنابراین، ما این میراث گنج‌یابی را حتی امروز که بازار عتیقه‌جات رونق دارد، به ارث برده‌ایم. و وقتی به بی‌ثباتی سیاسی در مناطق خاصی از سرزمین‌های کتاب مقدس نگاه می‌کنیم، شاهد افزایش تجارت عتیقه‌جات بوده‌ایم.

بنابراین، ما این نوع میراث گنج‌یابی را به ارث برده‌ایم. ما همچنین این میراث گنج‌یابی را در بسیاری از زمینه‌های ایمانی کمی متفاوت می‌بینیم، جایی که به جای گنج طلای توت‌عنخ‌آمون، گنج نوعی راهی برای اثبات کتاب مقدس است، اینکه ما قطعه‌ای پیدا می‌کنیم که می‌گوید ببینید، کتاب مقدس درست است. و جمعیت زیادی به ایمان روی خواهند آورد.

ما در اینجا در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما فکر نمی‌کنم این بهترین رویکرد به باستان‌شناسی باشد. بنابراین، ما می‌خواهیم مراقب روش‌های گنج‌یابی در باستان‌شناسی امروزی باشیم. این توضیح مختصری از باستان‌شناسی است.

خب، حالا اینجا داریم درباره باستان‌شناسی کتاب مقدس و کتاب مقدس یا عهد عتیق، کتاب مقدس عبری صحبت می‌کنیم. کمی درباره باستان‌شناسی صحبت کردیم. خب، حالا بیایید این سوال را پرسیم که کتاب مقدس چیست؟ کتاب مقدس چیست؟ خب، اول از همه، ما از آن به عنوان یک کتاب صحبت می‌کنیم، اما در واقع، مجموعه‌ای از نوشته‌های باستانی است که به شکل‌های بسیار جدیدتری حفظ شده‌اند.

بنابراین، برای کسانی از ما که در دنیای باستان کار می‌کنیم، بحث و جدل زیادی در مورد قدمت برخی سنت‌ها و متون خاص وجود دارد، اما برای بسیاری از ما که در دنیای باستان کار می‌کنیم، خواندن کتاب مقدس و ندیدن دنیای باستان در همه جا بسیار دشوار است. در واقع، هر چه بیشتر در دنیای باستان غرق می‌شوم، بیشتر متقاعد می‌شوم که کتاب مقدس در آن جهان بسیار جا افتاده است. اما البته کتاب مقدس چیزی فراتر از مجموعه‌ای از اسناد باستانی است.

ما در جوامع مذهبی، تأیید می‌کنیم که این کتاب، کتاب مقدس است. این الهام شده است. این کلام خداست.

این بی‌نظیر است. این یک کتاب یا مجموعه‌ای از کتاب‌ها است که نظیرش در هیچ کتاب دیگری نیست. اما ما همچنین تأکید می‌کنیم که اگرچه خدا در این فرآیند و از طریق آن حضور دارد، اما این اثر تا حد زیادی یک اثر انسانی است.

این خداست که در انسان‌ها و از طریق آنها در زمینه‌های خاصشان کار می‌کند. بنابراین، هر چه بیشتر جهان و زمینه آنها را درک کنیم، پیام کتاب مقدس را واضح‌تر می‌توانیم درک کنیم. باید اذعان کنیم که ترکیب و شکل‌گیری کتاب مقدس فرآیندهای پیچیده‌ای است.

مطمئنم به این دلیل است که انسان‌ها در آن دخیل هستند، اما این اتفاق در یک دوره زمانی طولانی رخ می‌دهد. ما اضافات، ویرایش‌ها و به‌روزرسانی‌هایی داریم. این چیزی نیست که باید برای ما در جوامع مذهبی تهدیدآمیز باشد، بلکه اینها نمونه‌هایی از ماهیت زمینه‌ای خدا هستند.

او در میان و از طریق مردم در دنیایشان کار می‌کند. این کتاب مقدس یک سند پویا است که در این جوامع ایمانی در جهان باستان و امروز ادامه دارد. حال، بزرگترین چیزی که باید هنگام صحبت در مورد کتاب مقدس، به عنوان کاربرد باستان‌شناسی یا کاربرد آن در باستان‌شناسی به خاطر داشته باشیم این است که در نهایت کتاب مقدس قرار نیست یک کتاب تاریخ یا کتابچه راهنمای علمی یا چیزی شبیه به آن باشد، بلکه در نهایت درباره خدا و قوم اوست.

این توصیفی از خداست، شخصیت او را توصیف می‌کند، رابطه‌اش با قومش را توصیف می‌کند، و این خط داستانی اصلی است. و این برای ما در غرب، به اصطلاح بافت‌های مدرن، دشوار است، زیرا اغلب فکر می‌کنیم که داستان، تاریخ را شکل می‌دهد. هدف نهایی نوعی بازسازی تاریخی است.

خب، در دنیای باستان، حقایق تاریخی، همانطور که می‌توانیم آنها را بنامیم، برعکس عمل می‌کنند. آنها داستان را شکل می‌دهند، نه داستان که تاریخ را شکل می‌دهد. بنابراین باید این را هنگام مراجعه به کتاب مقدس در نظر داشته باشیم.

و من فکر می‌کنم یک نمونه عالی از این موضوع، زمانی است که از اومریدها در قرن نهم پیش از میلاد صحبت می‌کنیم. ما اطلاعات زیادی در مورد اومریدها داریم، به طور نسبی. قدرتمندترین سلسله پادشاهی شمالی، که تا حد زیادی بر یهودا در جنوب خود تسلط داشت، با سواحل فنیقیه پیمان زناشویی می‌بست.

ما قدرت نظامی عظیم و فعالیت‌های عمرانی بزرگی داریم. اومریدها نیروی بودند که باید روی آنها حساب کرد، به طوری که آخاب عضو ائتلافی بود که در نبرد بسیار مشهور، از نظر تاریخی، نبرد قرقر، در ۸۵۳ پیش از میلاد، پادشاه نئوآشوری، شلمانسر سوم، را عقب راند.

و آخاب قوی‌ترین سپاه ارابه‌ها را به کار گرفت. و ارابه‌ها مانند تانک‌های خاور نزدیک باستان هستند. این یک تلاش نظامی سهمگین است.

و این ائتلاف برای مدتی در جلوگیری از یورش بزرگ آشور موفق می‌شود. و شما این نبرد را به خاطر دارید. درست است؟ در کتاب مقدس، آیا آن را به خاطر دارید؟ نه، این یک سوال انحرافی است. در آنجا نیست.

بنابراین، این نکته‌ای را نشان می‌دهد که ممکن است یکی از بزرگترین پیروزی‌های نظامی پادشاه تاریخی آخاب بوده باشد، اما این موضوع مورد توجه کتاب مقدس نیست. کتاب مقدس بیشتر به وفاداری یا عدم وفاداری به یهوه می‌پردازد. بنابراین، این نمونه‌ای است که باید در نظر داشته باشیم که کتاب مقدس در درجه اول درباره خدا و قوم اوست.

خب، حالا ما در مورد اینکه باستان‌شناسی چیست صحبت کردیم. ما در مورد اینکه کتاب مقدس چیست صحبت کردیم. اینها چگونه با هم جور در می‌آیند، یا آیا با هم جور در می‌آیند؟ خب، حالا می‌خواهیم این سوال را بررسی کنیم که باستان‌شناسی کتاب مقدس چیست؟ و باید بپذیریم که با این سوال، بار و بندی داریم.

بار و بندی از باستان‌شناسی، کشتی نوح و دفاعیات، نه به معنای عام کلمه، بلکه به معنای خاص کلمه که در آن مردم سعی می‌کنند از باستان‌شناسی برای اثبات درستی کتاب مقدس استفاده کنند. بنابراین، شما اینجا تصویری را می‌بینید که برای من ارسال شده یا در اینترنت پیدا شده است. من اغلب وقتی متوجه می‌شوم که من در باستان‌شناسی کار می‌کنم، با این نوع چیزها مواجه می‌شوم.

و اینجاست. این اثبات وجود نفیلیم‌های کتاب مقدس است، این غول‌های باستانی که در فصل‌های اولیه، پیدایش توصیف شده‌اند، جایی که ما شاهد همزیستی موجودات الهی و انسانی هستیم. و بنابراین، ببینید یک گورستان کشف شده است، و آنها غول‌هایی هستند، درست همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، و این ثابت می‌کند که کتاب مقدس درست می‌گوید.

و یک توطئه بزرگ وجود دارد که سعی دارد توسط افرادی که در باستان‌شناسی حرفه‌ای کار می‌کنند، آن را لاپوشانی کند. خب، بگذارید فقط بگویم که چنین توطئه‌ای وجود ندارد. من در این زمینه‌ها کار می‌کنم.

من در این کنفرانس‌ها و این کنفرانس‌ها، این انجمن‌ها شرکت می‌کنم، آنها به گونه‌ای عمل نمی‌کنند که حقیقت را پنهان کنند. در واقع کاملاً برعکس است. این اصل پاسخگویی است که در آن افرادی که برای ارزیابی ادعاها و ادعاهای خاص آموزش دیده‌اند، در مقابل این افراد قرار می‌گیرند و ما به عنوان یک جامعه، اعتبار این ادعاها را بررسی می‌کنیم.

باور کنید، اگر گورهای گولپیکر وجود داشتند، باستان‌شناسان، صرف نظر از دین یا مذهبشان، از کاوش در این گورهای گولپیکر هیجان‌زده می‌شدند. اما با این حال، این موضوع در اینترنت و فرهنگ عامه طرفداران زیادی دارد. و شما این داستان را شنیده‌اید، حرف متخصصان را باور نکنید. آنها سعی دارند اعتبار کتاب مقدس یا چیزی شبیه به آن را از بین ببرند.

کشتی نوح پیدا شده، نمی‌دانم چند بار. ظاهراً یک ماجراجویی وجود دارد که نه تنها کشتی نوح، بلکه تابوت عهد، و همچنین سدوم و عموره و محل عبور از دریای سرخ را پیدا کرده است. این یک اتفاق کاملاً غیرمنتظره است.

بنابراین، دوباره، اگر هر یک از این موارد، مانند چرخ‌های ارابه در کف دریای سرخ، کشف شد، آنها را نزد کسانی که برای ارزیابی این ادعاها آموزش دیده‌اند، بیاورید. هیچ توطئه‌ای در کار نیست، بلکه اینها افرادی هستند که، چه با نیت خوب و چه بدون آن، سعی دارند به خدا کمک کنند. بنابراین، من در مورد شما نمی‌دانم، اما من فکر نمی‌کنم خدا به هیچ کمکی نیاز داشته باشد، به خصوص وقتی که شامل عدم صداقت باشد.

خب، اگر این باستان‌شناسی کتاب مقدس نیست، پس باستان‌شناسی کتاب مقدس چیست؟ خب، این باستان‌شناسی است که به نفع کتاب مقدس است. یعنی ما یک تمرکز زمانی خاص و همچنین یک تمرکز جغرافیایی خاص داریم. بنابراین، تمرکز زمانی ما زمانی در اواخر عصر برنز است.

بنابراین، این مربوط به قرن‌های ۱۵ و ۱۴ میلادی خواهد بود. برخی آن را بیشتر از حدود قرن دوازدهم، این گذار بین عصر برنز متأخر و عصر آهن اول، شروع می‌کنند. و سپس، اگر باستان‌شناسی عهد جدید را نیز در نظر بگیریم، به قرن اول یا دوم میلادی می‌رسد. بنابراین، ما یک چارچوب زمانی داریم که بخش اصلی داستان کتاب مقدس را در بر می‌گیرد که از طریق باستان‌شناسی قابل دسترسی است.

بنابراین، این زمانی خواهد بود که ما قوم اسرائیل را در صحنه جهانی داشته باشیم. ما همچنین یک تمرکز جغرافیایی داریم و آن شام باستان یا شام جنوبی خواهد بود. این مناطق امروزی اسرائیل مدرن، فلسطین، مصر، اردن، لبنان، سوریه و عراق است.

ما می‌توانیم این موضوع را دوباره برای دوران عهد جدید در سراسر مدیترانه گسترش دهیم. بنابراین، ما یک تمرکز زمانی و جغرافیایی خاص داریم که باستان‌شناسی کتاب مقدس را تعریف می‌کند. استفاده از کتاب مقدس در باستان‌شناسی کتاب مقدس، حدس بزنید چه می‌شود، تا حدودی مورد بحث است.

من همیشه به دانشجویانم می‌گویم که اگر این موضوع ربطی به کتاب مقدس داشته باشد، جای بحث دارد. و اگر باستان‌شناسی را هم به آن اضافه کنیم، قضیه از این هم جدی‌تر می‌شود. بنابراین، ما طیف وسیعی از نظرات در مورد چگونگی استفاده از کتاب مقدس داریم.

برخی معتقدند که کتاب مقدس حاوی اطلاعات تاریخی زیادی است. برخی دیگر معتقدند که کتاب مقدس اطلاعات تاریخی بسیار کمی دارد. بنابراین، این موضوع در بحث‌های دهه ۱۹۹۰ تا حدودی به سخره گرفته شده است.

اکثر مردم دیگر از این اصطلاحات به همان شکل استفاده نمی‌کنند، بلکه از ماکسیمالیست‌ها و مینیمالیست‌ها صحبت می‌کنند. ماکسیمالیست‌ها کسانی هستند که می‌گویند کتاب مقدس حاوی اطلاعات تاریخی زیادی

است. آنها هنوز هم به نکات ظریف، به ویژه در ژانر و موارد دیگر، توجه دارند، اما ما اطلاعات تاریخی زیادی در کتاب مقدس داریم.

این را حداکثرگرایان می‌گویند. از سوی دیگر، حداقل‌گرایان می‌گویند که نه، در واقع، کتاب مقدس محصول افراطی‌ترین شکل خود از دوره هلنیستی است. این دوره پس از اسکندر کبیر است.

بنابراین، ما در اینجا از قرن چهارم و حتی تا قرن سوم و دوم صحبت می‌کنیم، زمانی که بعداً در قرن دوم احیای ناسیونالیسم یهودی تحت حکومت مکابیان، سلسله حشمونیان را داریم. و سپس آنها گذشته خود را بازآفرینی می‌کنند. و بنابراین، ما در دوره هلنیستی ترکیبی داریم که گذشته را برای ایجاد نوعی منشور ملی تصور می‌کند.

این در افراطی‌ترین شکل خود خواهد بود. بنابراین، وقتی با دوره‌های قبل از دوره هلنیستی، که اکثریت قریب به اتفاق عهد عتیق را تشکیل می‌دهد، سر و کار داریم، اطلاعات بسیار کمی با ارزش تاریخی پیدا خواهیم کرد. همانطور که گفتم، این نشان دهنده نوعی دوگانگی چند دهه پیش است.

حالا افراد بیشتری متوجه می‌شوند که بین این قطب‌ها تنش وجود دارد و سعی می‌کنند در آن تنش زندگی کنند و هم در بررسی متون و هم در بررسی باستان‌شناسی، انتقادی باشند. بنابراین، کمی بعد در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما نه متن و نه باستان‌شناسی به خودی خود گویا نیستند. من یک معلم سابق داشتم که به شوخی می‌گفت تا یک گلدان را از زمین بیرون نیاوری، آن گلدان با تو صحبت نمی‌کند، به تو نمی‌گوید چیست و تاریخش را نمی‌گوید.

بنابراین، ما می‌خواهیم به دنبال یک ادغام مسئولانه از مجموعه داده‌های متنوع باشیم. بنابراین، می‌خواهیم متون را با دقت بررسی کنیم. می‌خواهیم مواد باستان‌شناسی را با دقت بررسی کنیم.

ما می‌خواهیم تا حد امکان از دریچه‌های مختلف به متون و باستان‌شناسی نگاه کنیم و آنها را به طور انتقادی بررسی کنیم. من از کلمه انتقادی به معنای دقیق و بی‌طرف بودن استفاده می‌کنم، نه به معنای روحیه انتقادی، مثلاً اینکه بگوییم متن یا باستان‌شناسی ایراد و اشکالی دارند. بلکه می‌خواهیم با تمام ابزارهایی که در اختیار داریم، این مجموعه داده‌های مختلف را با دقت بررسی کنیم.

خب، چه اتفاقی می‌افتد؟ نتایج این ادغام چیست؟ اگر کتاب مقدس و باستان‌شناسی را در نظر بگیریم و حالا باستان‌شناسی کتاب مقدس را تعریف کرده باشیم، باستان‌شناسی با محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی، حالا وقتی اینها را کنار هم قرار دهیم چه اتفاقی می‌افتد؟ نتایج چیست؟ خب، این نتایج را اینجا می‌آورم. نقل قولی در مورد تأثیر مطالعه باستان‌شناسی بر اعتبار تاریخی کتاب مقدس، نتیجه ESV از جان کورید در اطلس چندین دهه تحقیقات باستان‌شناسی چه بوده است؟ پاسخ ساده است.

باستان‌شناسی بارها و بارها از گزارش‌های کتاب مقدس پشتیبانی و آنها را تأیید کرده است. خب، این هم از این. اما در اینجا نقل قول دومی را می‌آوریم که همزمان توسط بیل دیور نوشته شده است.

امروزه، باستان‌شناسی به جای تأیید مبنای تاریخی این مضامین، که جنبش‌های اصلی کتاب مقدس هستند تقریباً تمام وقایع را تضعیف کرده است. چه؟ آیا آنها در سوراخ‌های مختلفی حفر می‌کنند؟ اینجا چه خبر است؟ خب، اکنون می‌دانیم که اولاً، شواهد باستان‌شناسی ناقص است. ثانیاً، نیاز به تفسیر دارد.

بنابراین، من نمی‌دانم که بسیاری از ما، حتی آن‌هایی که در باستان‌شناسی کار می‌کنند، در نظر گرفته‌ایم که چقدر از دست رفته است. بنابراین، این، برای کسی که با استخوان‌های حیوانات کار می‌کند، بسیار واضح است. شما با یک حیوان زنده شروع می‌کنید که سپس برای مصرف ذبح می‌شود.

خب، در ذبح حیوان، فرآیند بعدی قصابی است. بنابراین اکنون ممکن است بخش‌های خاصی از لاشه، از بخش‌های گوشتی لاشه، جدا شوند. سپس آماده می‌شود و جداسازی بیشتری انجام می‌شود.

و در هر جداسازی، ما یک رسوب داریم. بنابراین ممکن است حیوان را در یک مکان کشته باشیم، ممکن است آن را در مکانی دیگر قصابی کرده باشیم، و سپس ممکن است در مکانی کاملاً متفاوت، پردازش بیشتری انجام دهیم، هر کدام از این موارد که بقایای باستان‌شناسی از خود به جا گذاشته‌اند. حالا، پس از آن، پخته می‌شود.

بیشتر گوشت‌ها در قابلمه با استفاده از روشی که استخوان‌ها را با قمه یا تبر جدا می‌کردند، پخته می‌شدند. بنابراین، تمام مغز استخوان و چربی را می‌گرفتید، آن را در قابلمه می‌پختید و سپس مصرف می‌کردید. سپس تکه‌های کوچک استخوان را بیرون می‌ریختید و آن را به یک توده زیاله، یک زیاله‌دان، می‌ریختید. شاید همان زیاله‌ای باشد که از ضایعات قصابی به دست آمده است. شاید هم یک رسوب کاملاً متفاوت باشد.

و بعد سال‌ها از راه می‌رسند. ما تجزیه را داریم، و انواع مختلف خاک را داریم که استخوان‌های مختلف را به روش‌های مختلف حفظ می‌کنند. و بعد شما تعصبات باستان‌شناسی را دارید، اینکه کجا حفاری کنیم، چقدر حفاری کنیم.

بیشتر تل‌ها، که بعداً در مورد آنها صحبت خواهیم کرد، تپه‌های مصنوعی هستند که نمایانگر تمدن‌های مختلف هستند. معمولاً فقط بخش‌های بسیار کوچکی از تل‌ها کاوش می‌شوند. و سپس وقتی کاوش می‌کنید در مورد آنچه جمع‌آوری می‌شود، جانبدارانه عمل می‌کنید. از نظر باستان‌شناسی، بیشتر مواد در سرزمین‌های کتاب مقدس، با دست جمع‌آوری می‌شوند.

ما آزمایش‌های زیادی داریم که شامل غربالگری یا الک کردن می‌شوند، گاهی خشک، گاهی تر. و اکنون از شناورسازی استفاده می‌کنیم. ما همچنین در حال بررسی سطح میکروسکوپی نمونه‌های خاص هستیم.

اما همین است، هر بار که پایین می‌رویم، کمتر و کمتر و کمتر و کمتر می‌شود. بنابراین، باستان‌شناسی این تلاشی است که از یک چیز کوچک چیزهای زیادی می‌گوید، از یک چیز کوچک چیزهای زیادی می‌گوید. آنسون ریئی می‌گفت، باستان‌شناسی، فکر می‌کنم او از کلمه علم حفر یک سوراخ مربع شکل و رسیدن نخ استفاده می‌کرد.

البته، این بدبینانه است. اما منظور او این است که در بازسازی از داده‌های بسیار کم، تخیل زیادی دخیل است. من فکر می‌کنم افزایش استفاده از علوم سخت در این عمل، گاهی اوقات حتی می‌تواند اعتماد به نفس کاذب ایجاد کند، زیرا می‌توانیم تعاریف و دقت جدیدی را در توصیف واحدهای بسیار کوچک بقایای تاریخی به کار گیریم.

اما هنوز هم باید به خاطر داشته باشیم که چه مقدار از دست رفته است. بنابراین، در بهترین حالت، ما در حال برون‌یابی هستیم. ما داده‌ها را می‌گیریم و آنها را در یک مسیر در نظر می‌گیریم. اما این کار تیری در تاریکی نیست، زیرا ما این کار را در یک زمینه بزرگتر انجام می‌دهیم.

و به همین دلیل است که در اسلاید قبلی اشاره کردم، ما می‌خواهیم مجموعه داده‌های متنوعی را بررسی کنیم. بنابراین هرچه بتوانیم از زوایای بیشتری به این سوال نگاه کنیم، درک بهتری از آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، خواهیم داشت. بنابراین داده‌های جزئی و پیچیده‌ای که با آنها سروکار داریم

و اما مسئله‌ی مهم، تفسیر است. همه‌ی ما با تعصبات خودمان به هر کار تفسیری می‌پردازیم، به خصوص وقتی که به تاریخ و کتاب مقدس مربوط می‌شود. بنابراین، ما تعصباتی داریم که از فرهنگ خود به ارث برده‌ایم.

ما مواردی را داریم که در سنت‌های مذهبی خاص خود به ارث برده‌ایم. و یکی از زیبایی‌های جنبش به اصطلاح، پست مدرن، و این از بسیاری جهات به باستان‌شناسی و آنچه به عنوان پسا-فرایندگرایی شناخته می‌شود رسیده است، این است که همه ما با درجه محدودی از عینیت می‌آییم. برخی می‌گویند اصلاً هیچ عینیتی وجود ندارد.

بنابراین، باید به یاد داشته باشیم که ما به عنوان مفسر، با بار تفسیری و تعصبات خودمان همراه هستیم. بنابراین، داده‌های محدود و پیچیده‌ای که نیاز به تفسیر دارند، می‌توانند نظرات بسیار متفاوتی در مورد آنچه باستان‌شناسی انجام می‌دهد و انجام نمی‌دهد، به دست آورند. بنابراین، چگونه قرار است به جلو برویم؟ آیا این پایان مجموعه سخنرانی‌ها است؟ آیا می‌توانیم دست‌هایمان را بالا ببریم؟ به سختی

خب، بیایید در مورد کتاب مقدس و ماله و این سوال که باستان‌شناسی و کتاب مقدس چه ارتباطی با هم فکر کنیم. و برخی دیگر نیز از روش‌های C دارند صحبت کنیم. خب، من دوست دارم به آن در قالب سه استفاده کرده‌اند C مشابهی برای به کارگیری مجموعه‌های مختلف

به عنوان یکی از روابط مکمل فکر می‌کنم، اینکه باستان‌شناسی می‌تواند آنچه را که ما فکر C اما من به اولین می‌کنیم از کتاب مقدس می‌فهمیم، تکمیل کند. بنابراین، یک نمونه عالی از این که در سخنرانی بعدی در مورد آن صحبت خواهیم کرد، سنگ یادبود مرزپناه است. قدمت آن به ۱۲۲۹ یا ۱۲۰۹ قبل از میلاد برمی‌گردد. سرود پیروزی یک فرعون، پسر رامسس کبیر، که به جنوب شام، به فلسطین لشکرکشی کرد.

و او ادعا می‌کند که قوم‌ها و شهرهای خاصی را فتح کرده است. و یکی از آن قوم‌هایی که او از فتح آنها نام می‌برد، کسی جز اسرائیل نیست. حال، با توجه به جدول زمانی کتاب مقدس، این درست در آغاز داستان اسرائیل به عنوان یک ملت است.

بنابراین، در داستان کتاب مقدس، این درست بعد از خروج آنها از مصر است. آنها در این سرزمین مستقر می‌شوند، اما مطمئناً... نیستند. بنابراین، این یک مکمل شگفت‌انگیز برای داستان کتاب مقدس است، تا جایی که ریشه آن را در زمان و مکان نشان می‌دهد. البته بحث‌هایی وجود داشته است زیرا این موضوع مربوط به باستان‌شناسی و کتاب مقدس است.

اما روی هم رفته، اکثریت قریب به اتفاق محققان این را یک همبستگی واقعی بین بقایای مادی می‌دانند سابقه‌ای از مردمی به نام اسرائیل در مکان و زمان مناسب با داستان کتاب مقدس. البته، اینکه مردم چگونه این را درک می‌کنند، بسیار متفاوت است. اسرائیل چیست؟ آیا اسرائیل قرن ۱۲۰۰ همان اسرائیل قرن نهم و هشتم است؟ اشاره بعدی که به اسرائیل داریم در قرن نهم پیش از میلاد است.

بنابراین، ما با شکاف بزرگی در مورد آنچه در این بین اتفاق افتاده است، مواجه هستیم. اما اینها یافته‌هایی هستند که می‌توانند به طور کلی مطالعه ما از کتاب مقدس را تکمیل کنند. اکنون ما همچنین برخی از مکمل‌ها را به روشی بسیار خاص و ویژه داریم.

این کشفی است که در سال‌های اخیر بسیار هیجان‌انگیز بوده است. اینها مهر و موم هستند. مهر و موم توده‌ای از خاک رس است که روی یک نامه، یک سند پاپیروس، قرار می‌گیرد تا نخ‌ها را که دور سند را احاطه کرده است، مهر و موم کند.

از روی تصویر می‌توانید ببینید که نام‌هایی روی گل رس حک شده‌اند که می‌توانستند قبل از سخت شدن گل، به صورت وارونه روی مهری که در گل رس قرار گرفته حک شوند. در اینجا نام افراد را داریم: هوکل، پسر شوما، و جدلیا، پسر فشحور. موضوع مهمی است؟ بله، اگر کتاب ارمیا را خوانده باشید، موضوع بسیار مهمی است.

بنابراین، در ارمیا ۳۷ و ۳۸، گروهی از مقامات، چهار مقام، را داریم که نزد صدقیا می‌آیند و علیه این ارمیا که ضد ناسیونالیسم است و احساسات طرفدار بابل را ابراز می‌کند، دادخواست می‌دهند. او می‌گوید، می‌دانید شهر محکوم به فنا است، تسلیم بابلیان شوید. و این افراد سعی می‌کنند ارمیا را به دردسر بیندازند.

آنها تا حدودی موفق می‌شوند که او را در یک چاه آب می‌اندازند. خب، دو نفر از این افراد کسی نیستند جز هاگل، پسر شوما، و گدالیا، پسر فشحور. بنابراین، ما اساساً امضاها را داریم. به طور دراماتیک‌تر دستی که احتمالاً مهری را که این گل را به داخل فشار داده، نگه داشته، احتمالاً با کسی جز ارمیا در کتاب مقدس دست نداده است.

خب، این خیلی هیجان‌انگیزه. چه تعریفی. خب، ما کلی تعریف و تمجید داریم.

ما همچنین تعریف‌های خاصی داریم. بنابراین این باستان‌شناسی یک‌طرفه است و کتاب مقدس می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. دیگری در حوزه وضوح است.

بنابراین، می‌توانیم رابطه‌ای روشن‌تر بین کتاب مقدس، ببخشید، باستان‌شناسی و کتاب مقدس داشته باشیم. به این صورت که چیزی را که در کتاب مقدس کشف می‌کنیم، به ما کمک می‌کند تا چیزی را که در درک ما کمی مبهم بوده است، بهتر درک کنیم. بنابراین، این‌ها می‌توانند تاریخی باشند، می‌توانند فرهنگی باشند، می‌توانند چیزی باشند که مربوط به آداب و رسوم بنی‌اسرائیل باستان باشد. بنابراین، این یکی از موارد مورد علاقه من است.

شگفت‌انگیز نیست؟ باورتان می‌شود که این را پیدا کرده‌اند؟ به احتمال زیاد از خودتان می‌پرسید که این چیست. خب، این یک مدل کبد است، یک مدل کبد گلی. و ما چندین مورد از اینها را در سراسر جهان باستان پیدا کردیم، حتی برخی از آنها برنزی بودند.

آنها ماکت‌هایی از جگر گوسفند هستند، با سوراخ‌های کوچک روی آنها و یک شبکه. و اینها تصور می‌شوند. ما روی برخی از آنها کتیبه‌هایی داریم.

تصور می‌شود که اینها مدل‌ها، مدل‌های کبد، برای آموزش پیشگویان در مورد چگونگی انجام عمل خلسه هستند، که به معنای نگاه کردن به اجزای داخلی یک حیوان قربانی برای پیشگویی آینده و فهمیدن اینکه چه اتفاقی قرار است بیفتد، است. این کار به ویژه در بین‌النهرین بسیار محبوب است. ما دستورات عمل‌هایی در مورد آنچه که باید به دنبال آن باشند، داریم، ناهنجاری‌هایی در شکل کبد، به ویژه لوب کبد، و موارد خاص، و دیدن اینها به عنوان نشانه‌هایی از اتفاقات آینده.

خب، مسئله‌ی مهم چیست؟ خب، ما در فصل ۲۱ کتاب حزقیال به این رسم اشاره کرده‌ایم، جایی که از استفاده‌ی بابلی‌ها از جگر و پیشگویی صحبت می‌کند، اما این همچنین به توضیح یک ممنوعیت عجیب در متون پنجگانه کمک می‌کند. ما نه بار در لاویان و دو بار در خروج در دستورالعمل‌های قربانی داریم، دستورالعمل‌های خاص برای سوزاندن لوب جگر به عنوان بخشی از احشاء که در حضور خداوند سوزانده و مصرف می‌شود. بنابراین، ظاهراً، این کار برای جلوگیری از هر نوع سوءاستفاده از نگاه به جگر برای کشف آینده است، زیرا در دیدگاه کتاب مقدس، آینده فقط متعلق به یهوه است.

پیشگویی در بسیاری از متون عهد عتیق ممنوع است. بنابراین، باستان‌شناسی با این عمل پیشگویی از طریق کبد، تا حدودی برای ما شفافیت ایجاد کرده است. بنابراین، اغلب اوقات وقتی مردم، به ویژه آن‌هایی که در زمینه‌های ایمانی هستند، در مورد رابطه بین کتاب مقدس و باستان‌شناسی صحبت می‌کنند، به این دو مورد اول اکتفا می‌کنیم.

پیچیدگی است. این زمانی است که ما چیزی را در زمین حفر می‌کنیم، یا C سوم هم وجود دارد، و آن C اما یک چیزی را در زمین حفر نمی‌کنیم، که دوست داریم، و ظاهراً آنچه پیدا می‌کنیم یا آنچه پیدا نمی‌کنیم با درک ما از کتاب مقدس در تضاد است. بنابراین، یک مورد کلاسیک این است که این عکسی از محل اریحا است که پیرامون آن بحث‌های زیادی وجود دارد و حکم هنوز پابرجاست. کاوش‌های مداومی در حال انجام است، اما وقتی برای اولین بار در کاوش‌های جان گارستانگ در دهه ۱۹۳۰ به نوعی مشهور شد، همه جا در روزنامه‌ها بود، دیوارهای یوشع پیدا شد.

و سپس، چند دهه بعد، دیم کاتلین کنیون آمد و گفت، اوه، اوه، شما بازه زمانی اشتباهی را در نظر گرفته‌اید، و در واقع، این دیوارها مدت‌ها قبل از هر زمان خاصی از یوشع بوده‌اند، و هیچ چیزی آنجا نیست. و سپس چند باستان‌شناس، برایانت وود در دهه ۱۹۹۰، وارد عمل شدند و بحث را بر اساس یک سبک سفالگری خاص که وجود داشت و کنیون از آن غافل بود، دوباره زنده کردند. اما سپس تاریخ‌گذاری رادیوکربن آن را به آنچه کنیون در نظر داشت، برگرداند و بحث همچنان ادامه دارد.

امروزه، برخی این را بزرگترین ناامیدی در باستان‌شناسی کتاب مقدس می‌نامند، جایی که به نظر می‌رسید مناسب است، و سپس از آن جدا شد. در حال حاضر کاوش‌های مداوم توسط یک تیم مشترک ایتالیایی و فلسطینی در حال انجام است، بنابراین شاید در آینده وضوح بیشتری داشته باشیم. اما واقعیت‌ها همچنان پابرجاست که برخی از وقایع کتاب مقدس فاقد آن نوع تأیید باستان‌شناسی هستند که ما دوست داریم.

و برخی از آنها بزرگ هستند، مانند خروج. ما در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما هیچ مدرک قطعی مبنی بر وقوع خروج وجود ندارد.

حالا، در آینده در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما بعد از آن از گفتن آنچه می‌خواهم در مورد آن بگویم خودداری می‌کنم. اما ما باید پیچیدگی‌هایی را که توسط چیزهای پیدا شده یا نشده ایجاد می‌شود، در نظر بگیریم، چیزهایی که برخی از ما دوست داریم در زمین دفن کنیم، یا شاید با فتوشاپ آن چرخ ارابه را در کف دریای سرخ ایجاد کنیم. اما من فکر می‌کنم هر یک از این دریاها درک ما از کتاب مقدس را پالایش و غنی‌تر می‌کنند.

بنابراین، دو مورد اول کاملاً واضح هستند و ما آنها را گرمی می‌داریم. آنها بارها و بارها نشان می‌دهند که کتاب مقدس در دنیای باستان بسیار جا افتاده است. اما حتی آن دریای سوم را هم فکر می‌کنم می‌توانیم گرمی بداریم.

من از این دریای سوم پیچیدگی‌ها که شب‌ها مرا بیدار نگه می‌داشت، از خودم می‌پرسیدم که چگونه می‌توانم این را به سرانجام برسانم، و سپس فروتنانه به یاد می‌آورم که این کتاب مقدس من نیست؛ اینها بقایای من نیستند. و برای کسانی از ما که به خدا و حاکمیت او ایمان و توکل دارند، اشکالی ندارد. بالاخره ما انسان هستیم.

کمی پیچیدگی چیز خوبی است تا به ما یادآوری کند که چه کسی هستیم. نیازی به جعل مدرک نداریم. در واقع، وقتی این کار را می‌کنیم، در نهایت ایمانی را که اعلام می‌کنیم، شرم‌آور می‌کنیم.

من گفتگوهای زیادی با افرادی داشته‌ام که از تعهدات ایمانی من آگاه هستند و به برخی از این پیچیدگی‌ها اشاره خواهند کرد، و من می‌گویم، بله، حق با شماست. بیایید در مورد آن صحبت کنیم. بنابراین، شما راه‌ها و فرصت‌های فوق‌العاده‌ای برای بحث در مورد پیچیدگی‌ها دارید، و حتی این موارد می‌توانند به گفتگوهای بیشتر در مورد اینکه چرا من ایمانم به عیسی را اعلام می‌کنم در حالی که همه چیز اثبات و کشف نشده است، منجر شوند.

بنابراین، به نظر من، صداقت، صرف نظر از این موارد، همیشه بهترین راه پیش رو است. و بنابراین پذیرفتن و حتی فروتن بودن در برابر این سومین اصل، چیز خوبی است. بنابراین، همانطور که در اینجا پیش می‌رویم پس از صحبت در مورد روش‌های خاص باستان‌شناسی و نحوه انجام باستان‌شناسی، نگاهی به برخی از تاریخ و فرهنگ اسرائیل باستان در بازه‌های زمانی مختلف خواهیم انداخت و این سه اصل را در این فرآیند به کار خواهیم گرفت.

پس منتظر باشید، و امیدوارم برای مورد بعدی هم ثبت نام کنید.

من دکتر جاناتان گریر و تدریس او در مورد باستان‌شناسی در عهد عتیق هشتم. این جلسه ۱، مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی و عهد عتیق است.